

فصل‌نامه علمی جستارنامه ادبیات تطبیقی

سال پنجم، شماره شانزدهم، تابستان ۱۴۰۰

بررسی تطبیقی نوحه عاشورایی در میناب و مسقط

بابک دهقانی^۱؛ محمد عارف (نویسنده مسئول)^۲؛ پرناز گودرزپوری^۳؛ حسن ریاحی^۴

صص (۹۴-۱۲۳)

چکیده

نوحه در میناب و مسقط، در حاشیه خلیج فارس و دریای عمان با یکدیگر متفاوت می‌باشد. چنین پیداست که اشعار عاشورایی در «میناب» با «مسقط» از جنبه‌های گوناگونی از جمله «ادبیات» (زبان، گویش، لهجه) تفاوت بسزایی دارد. در میناب، اکثر مردم به زبان فارسی صحبت می‌کنند. بنابراین؛ اکثر اشعار این منطقه، به زبان فارسی می‌باشد که گاهی با لهجه مینابی مطرح می‌شود. تنوع زیادی در نوحه‌های مینابی از نظر وزن وجود دارد. اشعار عاشورایی میناب در قالب‌های مثنوی، مستزاد، ترجیع بند، قصیده، غزل، بحر طویل و ... سروده شده‌اند که همین امر سبب تنوع مضامین و اوزان می‌شود. در مسقط، زبان رایج، عربی است. بنابراین نوحه‌های این منطقه به زبان عربی می‌باشد. مذهب غالب در مسقط، سنی می‌باشد. بنابراین؛ این مراسمات هم در سفارت ایران برگزار می‌شود که شیعیان این منطقه می‌توانند از آن استفاده کنند. در پایان این نتیجه حاصل می‌شود که اگرچه نوحه در میناب با نوحه در مسقط از نظر زبان متفاوت است اما وجوه اشتراکی مانند استفاده از آرایه‌های ادبی، مضمون و ... دارد. ضرورت انجام این تحقیق با توجه به جایگاه و اهمیت مراسم عاشورا در بین مسلمانان مشخص می‌شود.

واژگان کلیدی: نوحه، میناب، مسقط، اشعار عاشورایی

۱- گروه تاریخ تطبیقی و تحلیلی هنر اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

tarihtheater@gmail.com

۲- گروه نمایش، دانشکده هنر، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

tangechogan@yahoo.com

۳- گروه ارتباط تصویری، دانشکده هنر، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

goodarzi.parnaz@yahoo.com

۴- گروه موسیقی، دانشکده هنر، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. has.riahi@iauctb.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۲/۳۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۲۲

۱- مقدمه

رخداد عاشورا واقعه ای بی نظیر است، که تاریخ اسلام و تاریخ بشریت بدلی برای آن سراغ ندارد. جایگاه بلند عاشورا در تاریخ و فرهنگ بشری، آن را به صورت رویدادی جاودانه درآورده است؛ که همچون نگین درخشانی بر تارک تاریخ می درخشد. با وجود دستان تحریف‌گری که در طول چهارده قرن، درصدد تحریف حقیقت ارزش‌های نهضت حسینی (ع) برآمده‌اند؛ آنچه از عاشورا برای ما به یادگار مانده از چنان عمق و غنایی برخوردار است که تا فرجام تاریخ، پیام آور ارزشهای والای انسانی و الهام بخش انسان‌های آزاده و خداجو خواهد بود. عاشورا از دیرباز مظهر عشق به خداوند و تسلیم محض در برابر او و سبیل قیام در راه دین و آزادی خواهی و شهادت طلبی بوده است. در میان ابعاد گسترده و گوناگون این رخداد بزرگ بعد عاطفی آن تا مدتی نسبتاً طولانی مورد توجه و عنایت بیشتری از سوی شیفتگان حسین (ع) و دوستداران او قرار داشت. محافل عزای حسینی و مجالس ذکر مصایب سیدالشهدا (ع) در روز عاشورا و یاران او در خلال سده های متمادی بارها و بارها حزن و اندوه شیعیان را برانگیخته و یاد این حماسه فراموش ناشدنی را در قلوب آزادگان زنده نگاه داشته است. اما در کنار این برخورد عاطفی، که بی شک آثار و برکت‌های عظیمی را برای ما به دنبال داشته است، به تدریج رویکردی تحلیلی در مورد واقعه عاشورا شکل گرفته است. در این رویکرد، که البته بیشتر از سوی اندیشمندان و عالمان جامعه است، تلاش می‌گردد در کنار پرداختن به ابعادی عاطفی و حماسی نهضت عاشورا سایر ابعاد و زوایای آن نیز مورد تأمل و واریسی قرار گیرد.

کشور عمان در گلوگاه تنگه هرمز از دریای عمان به خلیج فارس و دریای عرب هم مرز و با کشورهای یمن، امارات و عربستان سعودی همسایه است. تا سده نوزدهم میلادی سراسر بخش شرقی شبه جزیره عربستان را، عمان می‌نامیدند. اما پس از آن دو بخش جداگانه یکی عمان از جمله هفت امارت و دیگری مسقط بود. مردم عمان پیرو دین اسلام هستند. در آن میان پیروان «اباضیه» در این کشور در اکثریت می‌باشند. این دسته از

مسلمانان پیرو «عبدالله با اباض تیممی» بوده و در همه شهرهای عمان زندگی می‌کنند. شیعیان از سه گروه با نام‌های «لوائتا»، «بحارنه» و «عجم‌ها» بوده که بیشتر در کرانه «باطنه» و بخش میان «مسقط» و «مطرح» پخش هستند. مسقط با داشتن لنگرگاه و آمدوشد و گره خوردن فرهنگ‌ها، بر همه بخش‌ها به برتری رسید. در پی آن شمار شهروندان کشور عمان تا سال ۲۰۰۹ میلادی نزدیک به ۳/۴ میلیون بود که از دیدگاه ساختار شهروندی در شمار ۱۳۳ کشور جهان برشمرده می‌شد. گستردگی سرزمین عمان برابر با ۳۰۹ هزار و ۵۰۰ کیلومتر مربع است. این کشور سومین کشور گسترده در شبه جزیره عربستان پس از کشورهای یمن و عربستان سعودی است که دارای دو بخش جنوبی و شمالی است. به عمان در درازنای تاریخ شبه جزیره «مسندم» نیز گفته‌اند. پایتخت کشور عمان «مسقط» است. این شهر بندری بوده و همیشه از هر سوی آب، مردمی به آنجا در رفت و آمد بوده‌اند. پیرامون آن را جزیره‌های کوچک و از سویی کوه‌ها فرا گرفته است. از شهرهای برجسته این کشور «مطرح»، «صلاله»، «صور»، «صحار»، «نزوی»، «سیب»، «رستاق»، «مینارسیوت»، «بندر برک»، «بندر مینا الفحل»، «ندر خصب»، «بندر لوا» و «بندر قابوس» است.

ایران در جنوب غربی آسیا منطقه‌ای در خاورمیانه است که بر اساس آخرین سرشماری حدود ۸۲/۰۱۱/۷۳۵ نفر جمعیت دارد و از شمال با جمهوری آذربایجان، ارمنستان و ترکمنستان، از شرق با افغانستان و پاکستان و از غرب با ترکیه و عراق همسایه است و همچنین از جنوب به خلیج فارس و دریای عمان محدود می‌شود. در جنوبی‌ترین بخش از این کشور استان هرمزگان قرار دارد که مردمی از دین اسلام با مذهب شیعه و سنی در آن زندگی می‌کنند. میناب به عنوان دومین شهر بزرگ این استان با جمعیتی حدود ۲۵۹/۰۰۰ نفر و قدمتی حدود ۲۵۰۰ سال سرزمینی جلگه‌ای است که به دلیل داشتن رودخانه میناب دارای بهترین کشاورزی است و از قدیم «گلستان جنوب» نیز خوانده می‌شد. بر اساس باور برخی از بومیان، این شهر توسط دو خواهر به نام‌های «بی‌بی مینو» و «بی‌بی نازنین» در روزگاران گذشته ساخته که به دلیل حمله مغولان ویران شد و تنها اثر بر جای مانده از آن «دژ میناب» نام دارد. میناب را از دیرباز تا کنون با نام‌هایی چون منا، مناب، مناو، مینا، میناو، مینو، هرمز، هارموز، آرموز... می‌خوانند که به دلیل نزدیکی با دریا

و رودهای فراوان به «میان آب» نیز معروف است. شهرستان میناب شامل ۴ بخش، ۴ شهر و ۱۱ روستا می‌باشد که با ترکیب قومیتی از فارسی زبانان هرمزی میناب، عرب‌های حاشیه خلیج فارس، بلوچ‌ها و بشاگردی‌ها است. در شهر میناب مردم به گویش مینابی سخن گفته که در جنوب ایران و حاشیه‌ی دریای عمان رایج است، این زبان زیرشاخه‌ی گویش بَشْکَرْدی و حدفاصلی میان گویش‌های لارستانی و بلوچی و بشکردی در جنوب شرقی ایران است. سوگ‌های عاشورایی از قدیم در جنوب ایران به عنوان یک تراژدی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده‌است که در مقایسه با اشعار شادی‌آور در تعزیه و ایام محرم تفاوت‌هایی نیز دارد. در شعر روز عاشورا حزن و اندوهی نهفته است که انسان را به تفکر وادار می‌دارد. اشعار عاشورایی دغدغه بسیاری از مردم می‌باشد، به همین جهت هر ساله در میناب شب شعر عاشورایی برگزار می‌شود که شاعران نمونه شعرهای منتخبی خود را در این مراسم می‌خوانند. انگیزه مهم شاعران عاشورایی ثواب و پاداش اخروی است. همانطور که امام باقر از امام سجاد حدیثی را نقل می‌کنند: هر مومنی که چشم‌هایش برای شهادت حسین(ع) گریان شود، تا جایی که بر صورتش روان گردد، خدا غرفه‌هایی را از بهشت به او اختصاص می‌دهد که سال‌های بسیاری در آن زندگی کند. (سید ابن طاووس، ۱۳۸۸، ۲۱) مراسم عاشورایی در میان مردم با آئین و مناسک خاصی اجرا شده که اشعار آن نشانگر حس ارادت و سرسپردگی به ائمه اطهار می‌باشد. این مراسم در ایران به صورت تعزیه، پرده خوانی، منقبت خوانی، نعت خوانی، روضه خوانی و شمایل خوانی به اجرا در می‌آید. اما در شرایط فعلی تعزیه، نوحه، مداحی و روضه‌خوانی بیشتر از بقیه رایج است. در غالب اشعار به شجاعت امام حسین (ع) و یاران باوفا ایشان پرداخته می‌شود. زبان به عنوان مهم‌ترین و محوری‌ترین مؤلفه در فرآیند اندیشیدن، بیش از آنچه ما فکرش را بکنیم در درک و دریافت از هستی تأثیر می‌گذارد، لذا فرآیند ارتقا و تغییرات آن نیز دارای اهمیت است. از این رو در این تحقیق با توجه به تشابهات و تفاوت‌های زبانی و کلامی در «میناب» و «مسقط»، به بررسی برخی شیوه‌های اجرایی و تأثیرات آن در محتوای شعر، ادبیات، گویش، زبان، لهجه، سنت و ... بر مخاطب اشعار عاشورایی پرداخته خواهد شد.

میناب به دلیل مجاورت با تنگه هرمز و رفت و آمدهایی که با کشورهای حاشیه خلیج داشته در زمان‌های گذشته، دوره رضا خان، گهگاه به اجاره عمانی‌ها در آمده و افراد اهل مسقط، حیدرآبادی‌ها و بحرینی‌ها این منطقه را اجاره نموده بودند. به نظر می‌رسد این فرهنگ‌ها در گویش و لهجه مردم منطقه به صورت عربی نیز تحت تاثیر قرار گرفته‌است. موسیقی و اشعار عاشورایی در میناب با مسقط از جنبه‌های گوناگونی از جمله ادبیات (زبان، گویش، لهجه)، مضمون، میزان آرایه‌های ادبی و نحوه ارائه آن به‌ویژه در نمایش‌های میدانی از جمله تعزیه تفاوت بسزایی دارد. در شهر میناب مردم به گویش مینابی سخن می‌گویند که در جنوب ایران و حاشیه‌ی دریای عمان رایج است. این زبان زیرشاخه‌ی گویش بشکرودی است و حدفاصلی است میان گویش‌های لارستانی و بلوچی و بشکرودی در جنوب شرقی ایران.

نوحه در میناب بدین شکل برگزار می‌شود که ابتدا روحانی یا ملا مرثیه‌ای در مورد یکی از یاران ائمه یا شهدای کربلا می‌خواند، که به این افراد ذاکر گفته می‌شود، پس از شروع نوحه، حضار به سینه زنی مشغول می‌شوند و گاهی بیت یا مصرعی را با ذاکر بلند می‌خوانند. به اصطلاح دیگر، جواب ذاکر را با نوحه می‌دهند.

حال با نگرشی ژرف در زمینه اشعار عاشورایی، این پرسش جان می‌گیرد که چه همگونی و ناهمگونی میان اشعار عاشورایی میناب با مسقط، وجود داشته که در گستره تاریخ، شهرهای گلوگاه تنگه هرمز در آبراه پارس را با مسقط پیوند می‌دهد؟

۱-۱- بیان مسئله:

پرداختن به مضامین شعری عاشورایی، در دو منطقه میناب و مسقط از اهمیت و ارزش بسزایی برخوردار است. زیرا؛ با توجه به ایجاد ارتباط نزدیک میان منطقه‌ای که در قدیم‌الایام به صورت پراکنده به موجودیت خود ادامه می‌داد، امروزه خصوصیات ویژه خود را بارز نموده‌است و در حفظ و نگهداری آن تلاش می‌شود. در یکی دو قرن اخیر با افزایش جستجوها، دانش‌ها، اکتشافات و اختراعات جدید و پیدایش امکانات ارتباطی، قهرا نزدیکی با دیگر جوامع و مناطق پدید آمده به طور روزافزون در بافت، شکل و خصوصیت فرهنگی و حتی زبان و گویش میراث تاریخی پرارزش تاثیر بسزایی داشته

است. تغییرات تدریجی و چه بسا وسیع و گسترده‌ای که روند رو به رشد آن طبعا به سوی نزدیکی هر چه بیشتر آنها با نظائر خود و در نهایت ادغام فرهنگی و هنری در میناب و مسقط می‌رود. لذا در این شرایط خطر فراموشی و نابودی آنها نیز به دنبال خواهد بود، که حداقل از دید تاریخی میان مناطق و کشورهای همسایه نیاز به مطالعه، تحقیق و تفحص ویژه دارد. «آیین و مکتب هر جامعه ای به مراتب بیشتر از هرجریان دیگری در شعر آن روزگار ثبت شده است و این امر نشان از اهمیت موضوع و تاثیرگذار بودن آیین و مکتب در دل جوامع است. حال مداحان زبان گویای این حرکت دینی هستند و در واقع رسانه موثر در انتقال اندیشه دینی به جامعه می‌باشند.» (قربان‌پور، ۱۳۹۵، ۲)

در این پژوهش سعی شده است به سوالات زیر پاسخ داده شود:

- ۱- نوحه در میناب به چه صورت وجود دارد؟
- ۲- نوحه در مسقط چگونه است؟
- ۳- چه تفاوت‌هایی بین نوحه در میناب و مسقط وجود دارد؟

۲-۱- اهداف پژوهش

این پژوهش به دنبال بررسی تطبیقی نوحه در میناب و مسقط می‌باشد. بنابراین ابتدا نوحه در میناب به صورت مجزا توضیح داده، سپس به توضیح نوحه در مسقط پرداخته می‌شود. ویژگی‌های ادبی و موسیقایی هر یک به صورت مجزا گفته خواهد شد.

۳-۱- پیشینه تحقیق

تا کنون هیچ کتاب و مقاله‌ای به بررسی تطابقی نوحه‌های عاشورایی میناب و مسقط نپرداخته است. با این حال کتاب‌هایی که در آن اشعار و نوحه‌های مینابی جمع‌آوری شده‌اند، کم نیستند. برای مثال کتاب رخس بی‌سوار، نوشته سهراب سعیدی که در سال ۱۳۸۶ به چاپ رسیده است. در این کتاب تمام نوحه‌ها و اشعار عاشورایی شاعران قرن ۱۲ و ۱۳ مینابی مطرح شده است. کتاب دیگری که در این زمینه نوشته شده، کتاب نوحه‌های

پامنبری اثر محمدصادق نساچی است که نوحه‌ها و اشعار مذهبی قرن ۱۴ را مطرح می‌کند. در این زمینه، کتابی یا مقاله‌ای برای مسقط، پایتخت عمان، نوشته نشده است.

۴-۱- روش تحقیق

این تحقیق براساس ماهیت و روش تحلیل داده‌ها استوار است بنابراین، روش مورد استفاده در این تحقیق به صورت توصیفی-تحلیلی و کاربردی می‌باشد. بدین شکل که پس از مطالعه منابع به دست آمده به توصیف و تحلیل آن پرداخته و سپس به جنبه‌های کاربردی آن اشاره می‌شود. نوع کار تحقیقاتی به صورت تحلیل محتوای کیفی و متناسب با موضوع، در جهت دستیابی به اهداف از روش تحقیق میدانی و کتابخانه‌ای است.

۲- بحث اصلی

۲-۱- نوحه

نوح (به فتح و کسر حاء) در لغت به معنای بیان مصیبت و گریه کردن با آوای بلند، آواز ماتم و شیون، و همچنین به معنای ندبه، مویه‌گری و زاری بر عزیز از دست رفته است. در اصطلاح به آنچه که در مراسم سوگواری و عزاداری ائمه اطهار(ع) به ویژه در مراسم عزاداری امام حسین(ع) می‌خوانند، نوحه می‌گویند. (دهخدا؛ ۱۳۸۷: ۳۵۴)

نوحه در اصطلاح ادبی، شعری است که در سوگ تازه مرده یا امامان خوانند. نوحه گونه‌ای از مرثیه است که آهنگی ویژه دارد و شناخته‌ترین جولانگاه آن آیین‌های عزاداری، به ویژه مراسم سوگواری امام حسین است. (سعیدیان، ۱۳۸۲: ۲، ۱۷۰۰)

نوحه خوانی، خواندن شعر و ذکر مصائب همراه با غم و اندوه و آدابی خاص، در رثا و عزای بزرگان دین است که در فرهنگ شیعه، بیشتر در مجالس عزای معصومین(ع) به ویژه امام حسین(ع) رواج دارد. بنابر آموزه‌های شیعه، نوحه‌خوانی بر مردگان مکروه است، مگر برای معصومین(ع) که از شعائر مهم و عوامل نشر فضیلت‌ها و احیای یاد اهل بیت(ع) است. نوحه‌خوانی بر مرده، رسم جاهلیت بوده و کاری مکروه است، مگر برای معصومین(ع) که نوحه و گریه بر آنان از شعائر مهم و از عوامل نشر فضیلت‌ها و احیای یاد اسوه‌های کمال خوانده شده است. (محدثی؛ ۱۳۷۴: ۴۵۳)

در استان هرمزگان شاعران با فهم این نکته که نوحه و شعر گفتن در رثای امامان پاداش اخروی و دنیایی دارد به شعر عزا و مرثیه روی آوردند. چنانچه از قرن ۱۲ تاکنون شاعران مرثیه سرای زیادی در این استان و شهرهای (میناب و رودان) به چشم می‌خورد و در واقع یکی از آموزه‌های مذهبی که از دیرباز ذهن خلاق و نکته سنج بسیاری از شعرای ما را به خود مشغول داشته واقعه عاشورا است. از آنجا که ادبیات فارسی ایران، با دین و آموزه‌های دینی هم قرین است و همین امر یکی از مهم‌ترین وجوه تمایز شعر فارسی با شعر دیگر کشورهاست. از این رو ذهن خلاق و نکته سنج مرثیه سرایان میناب از دیرباز به بیان اندیشه‌های عاشورایی در اشعارشان مشغول داشته است و شاعران میناب بیش از دویست سال پیش با سرودن دلنامه‌های گوناگون، ارادت خود را به خاندان عصمت و طهارت ابراز داشته‌اند و بدین صورت گامی در جهت زنده نگه‌داشتن حماسه عاشورا برداشته‌اند. (سعیدی؛ ۱۳۸۹: ۲۴)

برخی صاحب‌نظران نغمه‌های شعری به خصوص جنبه مذهبی را جنبه ملکوتی و ماورای طبیعی می‌دانند که انسان را از مادیات جدا می‌سازد و به معنویتی لذتبخش می‌برد اما برخی دیگر آن را جدای از دین دانسته و می‌گویند: اگر این اصل عقلانی را بپذیریم که همه ابزارها و وسایل، باید طوری انتخاب و استفاده شوند که رهرو را به مقصد و کمال برساند، با توجه به قرار داشتن دین اسلام در اوج حقانیت عقلی و تاریخی، باید گفت بهترین و معتبرترین منابع برای شناخت اینکه چه چیزی برای انسان کمال آور است و او را به خدا می‌رساند، قرآن کریم و روایات است. از آموزه‌های اسلامی استفاده می‌شود که ایمان، تقوی و عمل صالح و مانند آن، انسان را به کمال و قرب الهی می‌رساند، ولی هرگز نداریم که انسان می‌تواند با شعر و موسیقی این مسیر را طی کند و به خدا برسد! البته نه آنکه هیچ گونه تاثیر مثبتی نمی‌تواند ایجاد کند، گاهی برخی موارد می‌توانند تاثیرهای مثبتی ایجاد کنند مانند اینکه به انسان در برخی لحظات آرامش می‌دهد، ولی اینکه انسان با شعر و آواز بیش از دیگر راه‌ها به خدا می‌رسد، حرف درستی نیست. اگر این گونه بود پیامبران بیش از دیگران از این راه استفاده می‌کردند. (جعفری، ۱۳۹۷، ۳۳)

۲-۲- نوحه خوانی در میناب

سابقه مرثیه‌سرایی میناب به اواخر دوران صفویه و بیشتر به دوره‌ی قاجار و حکومت پهلوی می‌رسد. در این مدت شاعران زیادی، استعداد خود را صرف زنده نگه‌داشتن عاشورا و پیغام‌های آن کرده‌اند. از جمله می‌توان به حسین مسیحا، عبدالله منصف علیایی، حسینعلی قضائی، محمد شفیع رنجبر (وارث لازم)، ملا محمد معروف، مولا داد مستمع نوری، مرحوم حسن چملی نخل کار، ملا محمد قضائی، میرزا حسین نساجی، عبدالرسول وکیل‌زاده، میرزا عباس مهدی حسینی، ناصر سلیمانی، محمود رحیمی شهبازی، غلاحسین حسینی قضائی (واعظ)، ملا محمد و ... اشاره کرد.

نوحه‌خوانی در نقاط مختلف ایران اشکال متفاوتی دارد، که از نوع گویش و آواهای فولکلر هر منطقه متأثر است. وزن‌های متفاوتی برای نوحه‌سرایی موجود است. با این حال نوحه، از نظر قافیه و گاهی رعایت تساوی طول مصراع‌ها با قواعد شعر سنتی هم‌خوانی ندارد و حتی در مواردی دچار ضعف و مشکل وزنی هم هست که این مشکل با آواز و تن صدای مداح پوشیده می‌شود. در منطقه میناب شیوه اجرای نوحه به دو گونه است. گاه مداح نوحه را با ریتم ملایم می‌خواند و در مواردی نوحه را با ریتم تند می‌خواند که هیجان، اوج غم و احساسات را در کربلا نشان بدهد، اما این بدان معنا نیست که در نوحه‌ای که با ریتم ملایم خوانده می‌شود حزن و اندوهی وجود ندارد. نوحه‌خوانی در میناب به دو زبان فارسی و عربی و با دو گویش بندری و مینابی اجرا می‌گردد.

در نظر ادیبان فارسی موسیقی به سه دسته تقسیم می‌شود:

۱- موسیقی بیرونی: این نوع موسیقی جنبه عروضی و وزن شعر را در برمی‌گیرد. اشعار کلاسیک بر اساس اوزان عروضی از ابتدا تا آخر، از یک الگو پیروی می‌کند.

۲- موسیقی کناری (ردیف و قافیه): این نوع موسیقی در برگرنده آهنگ خاص هم‌خوانی میان کلمات پایانی مصراع‌ها است.

۳- موسیقی میانی: این نوع موسیقی، هماهنگی و نسبت ترکیبی کلمات و طنین هر حرف در کنار حرف دیگر را شامل می‌شود مانند سجع، جناس و اقسام تکرار (تکرار واج و واژگان)

محمدرضا شفیعی کدکنی موسیقی شعر را به چهار نوع موسیقی بیرونی و کناری درونی و معنوی تقسیم کرده است (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۳: ۳۹۳-۳۹۱) منصور رستگار فسایی ای نیز در انواع شعر فارسی با تغییر عنوان موسیقی درونی به موسیقی داخلی به همین چهار نوع موسیقی اعتقاد دارد اما خسرو فرشید ورد در تقسیم‌بندی موسیقی شعر می‌گوید مراد از موسیقی و وزن و قافیه و تناسب حروف است بنابراین سه نوع موسیقی را می‌توان در شعر تشخیص داد یکی وزن دیگر قافیه و سوم تناسب حروف یا موسیقی درونی شعر. (فرشید ورد، ج ۱، ۱۳۷۸: ۳۱) موسیقی شعر از این جهت حائز اهمیت است که احساسات شاعر و تخیل شعر را به مخاطب القا می‌کند.

اکنون نمونه هایی از نوحه خوانی در میناب ارائه می‌گردد و در ادامه به صورت مجزا

بررسی می‌شود:

حسین ای شاه سرور:

به سوی شام و کوفه روانم ای برادر	حسین ای شاه سرور نظر کن سوی خواهر
be sôy šam o kôfe rævânäm ey bærädär	hôsein ey šah soro næzær kon soy xähær
ز جا برخیز بنما جلوداری خواهر	تو یار بی کسانی چرا در خون تپانی
ze jä bærxiz benämä jolodäri xähær	To yär bikæsäni cherä dær xon täpäni
به نوک رمح اعدا نظر سازی به خواهر	تنت در خون بخته سرت چون گل شکفته
be nok ræmh ada næzarsäzi be xähær	Tænet dær xon bexofteh særet chon gol shekofteh
به هر کوچه به هر جا به هر منزل به هر در	به همراه سر تو سفر خواهم نمایم
be har ja be har mænzel be har dar	Be hæmrah sær e to sæfar xaham næmayam
ز بخت خود بنالم یا از قوم کافر	ندادند مهلت من تنت بردارم از خاک
ze baxt e xod benalæm ya æz ghom kafar	Nædad mohlat e man tanet bardaram az khak

خداحافظ که رفتم ز نزدت ای برادر		بمان در قتلگاهت به همراه سپاهت
xodahafez ke raftæm ze nazdat ey bæradær		Beman dær qatlegahæt be hamrah sepahæt
شفاعت کن برایش تو در فردای محشر		عزادار تو ای شاه بود منصف به دنیا
šefaæt kon bærayash to dar farday mahšar		yza dær to ey šah bôvæd monsef bedonya
(سعیدی؛ ۱۳۸۹، ۳۴)		

بررسی نوحه «حسین ای شاه سرور»:

در این نوحه فضای بعد از واقعه عاشورا به تصویر کشیده شده است که از زبان حضرت زینب این روایت بیان می‌شود. فضای حاکم در شعر، به تن بی‌سر امام حسین و اسیر شدن قافله امام حسین اشاره می‌کند که حضرت زینب حتی اجازه به خاک سپردن تن امام حسین را نداشتند.

موسیقی بیرونی این نوحه «مفاعیلن فعولن مفاعیلن فعولن» است. موسیقی کناری در این نوحه شامل قافیه‌ها می‌شود؛ زیرا در این نوحه ردیف وجود ندارد. از آنجا که بیت اول با سایر مصراع‌های دوم هر بیت هم قافیه است پس نوحه در قالب غزل سروده شده است. قافیه و موسیقی کناری در این نوحه، به ترتیب شامل کلمات خواهر، برادر، خواهر، خواهر، در، کافر، برادر و محشر می‌شود.

در اکثر ابیات واج‌آرایی مصوت «آ» به چشم می‌خورد و این واج‌آرایی اغلب ناله و فریاد را تداعی می‌کند، که بیانگر روحیه بیدارگر شاعر است. برای مثال در بیت آخر مصوت «آ»، هفت مرتبه در کلمات عزادار، شاه، دنیا، شفاعت، برایش و فردا تکرار شده است. در بیت چهارم بین سر و سفر، در و هر آرایه جناس دیده می‌شود. در بیت اول بین کلمات سرور و خواهر سجع متوازی و بین کلمات سرور و برادر، خواهر و برادر سجع مطرف برقرار است. در بیت دوم بین کلمات بی‌کسانی، تپانی و جلوه‌داری، در بیت سوم بین کلمات بخفته و شکفته، در بیت ششم بین کلمات قتلگاه، سپاه سجع وجود دارد. این چند مورد مثالی برای وجود موسیقی میانی در این نوحه است.

در این نوحه گاهی از کلمات عربی استفاده شده است برای مثال رمح که به معنای نیزه می‌باشد. بیت سوم سر امام حسین را مانند گلی دانسته که به دلیل ضربات و جراحات وارده، باز و شکفته شده‌است.. در بیت پنجم خاک مجاز از صحرای کربلا است.

نوحه شیعه شد ماه محرم:

حضرت فاطمه در کربلا بی پسر است	شیعه شد ماه محرم و دل بی خبر است
hazrat e fatemeh dar karb ô bala bi pesær æst	šie šod mah mohærræm o del bi xæbær ast
زینب غمزده از بعد حسین در بدر است	کس ندارد خبر از حال جوانان حسین
zeinab qamzadeh az baad hosein dærbedær æst	Kas nadarad xabar az hal jævanan hosein
آن جوانی که به رخ صورت شمس القمر است	کشته شد حضرت عباس لب شط فرات
an jævani ke be rokh sorat šams olqæmær æst	Košteh šod hæzrat e æbbas læb e šæt forat
زآنکه این تازه جوان عازم رو در سفر است	می رود قاسم داماد صدایش نزیند
zeanke in tazeh jævan æze ro dær sæfær æst	Mirævæd qasem damad sedayæsh næzænid
پای گهواره نشسته است و خاکش بسر است	مادر اصغر بی شیر ز داغ اصغر
pay gæhvareh nešaste æst o xakaš bæær sæær	Madær æs qar bi shir ze daq æs qar
کس نگوید که سکینه ز جفا بی پدر است	کشته گردید حسین ابن علی در میدان
kas nægoyad ke sækineh ze jafa bi pedær æst	Košteh gærdid hosein ebn æli dar midan
که مسیحا زغم سبط نبی نوحه‌گر است	قصه‌ی کربلا را نتوان پنهان کرد
ke mæsiha ze qam e sebt nabi nohegær æst	qese kærbobala ra nætævan penhan kærd
(همان، ۴۱)	

بررسی نوحه « شیعه شد ماه محرم »:

این نوحه، شیعیان را به عزاداری دعوت می‌کند و آنان را از غفلت بر حذر می‌دارد. در واقع، روایت هر کدام از شخصیت‌های کربلا را در حدود یک بیت به صورت خلاصه بیان

می‌کند. اما این خلاصه بودن مانع رساندن پیام و انتقال حس عزا و ناراحتی به مخاطب نوحه نمی‌شود.

در این نوحه هم مانند نوحه قبل، از کلمات عربی مانند شط، شمس‌القمر، عازم و سبط استفاده شده‌است. در بیت سوم صورت حضرت عباس را از شدت زیبایی به شمس‌القمر تشبیه کرده‌است. در بیت پنجم شاعر به تراژدی کشته شدن اصغر اشاره می‌کند و عبارت «خاک به سر بودن» کنایه از اوج بدبختی و غم می‌باشد.

موسیقی بیرونی این نوحه شامل «فاعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلمن» می‌باشد. موسیقی کناری آن عبارت است از فعل «است» که به صورت ردیف در نوحه وجود دارد و کلمات «بی‌خبر، بی‌پسر، دربه‌در، شمس‌القمر، سفر، سر، بی‌پدر و نوحه‌گر» که به صورت قافیه در شعر دیده می‌شود. این نوحه هم در قالب غزل سروده شده است و برخلاف نوحه قبل نقصی در جهت قافیه‌ها دیده نمی‌شود.

در بیت اول واج «ب»، در بیت دوم واج «د»، بیت سوم واج «ت»، بیت چهارم واج «د» به صورت مکرر تکرار شده است که آرایه واج آرایی را می‌سازند. در بیت پنجم کلمه «اصغر» تکرار شده است. ذکر این دو مورد دلیلی برای وجود موسیقی میانی در این نوحه است.

فی نوحه

<p>دموعٌ عُیُونَنَا که نَهْرکِ مُجَلَّلِی ز هَجْرکِ مُفَصَّلِی ذَبِیحٌ وُلْدِ عَلِی</p>	<p>حسینم مُفَضَّلِی عَلِی الدِّینِ هُوَ الْوَلِی عَطْشَانَا فِی کَرْبَلَا ذَبِیحٌ وُلْدِ عَلِی</p>
<p>damoy ôyona ke næhrak mojalali ze hejrek mofæsali zæbihôn vælæd æli</p>	<p>hōseinæm mofæzæli ælaldin hovæ alvæli atšänäfi kærballa zæbihôn vælæd æli</p>
<p>اشک چشمان ما مانند یک رودخانه است، مانند یک بیابان، یک قربانی فداکاری شده</p>	<p>حسین بر دین ترجیح داده می‌شود، او ولی تشنگان در کربلا است، یک قربانی فداکاری شده</p>
<p>به سر تاج ز قُلْ کَفِی به دل مهر ز هل آتا گلی بود ز مصطفی ذبیحٌ وُلْدِ عَلِی</p>	<p>إِیَاکَ به حیدری شجاعٌ غُضنَفَرِی ز نسلِ مَطَهْرِی ذَبِیحٌ وُلْدِ عَلِی</p>
<p>be sær taj z qol kafi be del mehr ze hæli ata goli bod ze mostafa</p>	<p>Iyaka be hei:dari shoja ýazanfari z nasl motæhæri zæbihôn vælæd æli</p>

zæbihôn vælæd æli	
به تاج سر به اندازه کافی بگو به مهر دل که آیا گلی بود، یک قربانی فداکاری شده	بیا ای شیر شجاع شیر درنده ای از نسل پاک، یک قربانی فداکاری شده
به عصرش که شه نبود به ذاتش گنه نبود برایش سپه نبود ذبیح ^۱ ولد علی	در صورت مه طلعتی نزد حق تو حجتی سر داره بر اُمّتی ذبیح ^۱ ولد علی
be asraš ke šah næbod be zataš gonah næbod barayaš sepah næbod zæbihôn vælæd æli	dar soræt mahe tælæti næzd e hæq to hôjati sær dare bar ômati zæbihôn vælæd æli
	در صورت، ماه رویت می شود، و پیش خداوند دلیل و برهانی برای مردمی که ایمان بیاورند. یک قربانی فداکاری شده
محرم به سر رسید دو صد لعن ^۲ بر یزید سر شاهدین برید ذبیح ^۱ ولد علی	نه عون و نه اکبری نه قاسم نه جعفری حسینم تو بی سری ذبیح ^۱ ولد علی
môhærræm be sær resid do sad lyn o bar yazid sær e shahedin borid zæbihôn vælæd æli	na yn o na ækbari næ qasem næ jæfari hoseinæm to bi sari zæbihôn vælæd æli
ایا شمربیی حیا منه پا به خیمه ها بُود روی تو سیاه ذبیح ^۱ ولد علی	ایا شمرا یا لعین ایا نسل فاسقین مکن ظلم به عابدین ذبیح ^۱ ولد علی
aya šemr bihæya mæne pa be xeimeha bovæd roy to siyah zæbihôn vælæd æli	aya šemr aya layn aya nasl faseqin mækon zôlm be abedin zæbihôn vælæd æli
(همان، ۵۵)	

بررسی نوحه «فی نوحه»:

در این نوحه شاعر، کلمات و عبارات عربی را زیاد به کار برده است به طوری که گاهی کل بیت عربی است که این مسئله با توجه به تاثیر کشور عمان بر میناب قابل درک خواهد بود. تشبیه به وفور در این نوحه دیده می شود برای مثال بیت اول مصراع دوم، اشکی که در چشمان امام حسین است را از شدت زیادی به رودخانه تشبیه کرده است. شاعر، امام حسین را مانند شیر شجاعی می داند که در عرصه عاشورا در راه خدا به شهادت

رسیده‌است. وی با لعنت کردن شمر تنفر خود را به طور واضح نشان داده و شمر را یک انسان بی حیایی می‌داند که از جوان‌مردی به دور است.

شامیان

بشد صد پاره تن ای رودم ای رود	حسین بی کفن ای رودم ای رود
bešod sæd pareh tæ n ey rôdæ m ey rôd	Hôsein bi kæfæn ey rodæ m ey rod
شکست قلب حسین ای رودم ای رود	ز داغت ای گل گلزار حیدر
šekæst qalb hôsein ey rôdæ m ey rôd	Ze dâqæt ey gol e golzâr heidær
ز ظلم قوم دون ای رودم ای رود	سر پاک تو را از تن بریدند
ze zolm e qom e don ey rôdæ m ey rôd	Sær e pak to ra æz tæ n boridænd
چو شاخ یاسمین ای رودم ای رود	ز پیکر دست عباست جدا شد
ç o šakh yasæmin ey rôdæ m ey rôd	Ze piker dæst e æbbaæat joda šod
همان بینی بدن ای رودم ای رود	دو تا شد فرق اکبر آن جوانت
haman bini bædæn ey rôdæ m ey rôd	Do tã šod farq ækbær an jævanæt
به دشت کربلا ای رودم ای رود	عزا شد عیش قاسم از ره کین
be dašt kærbæla ey rôdæ m ey rôd	yza šod yiš qâsem æz ræh e kin
ز تیر حرمله ای رودم ای رود	علی اصغر ز کین گردیده خاموش
ze tir hærmæleh ey rôdæ m ey rôd	æli æs qar ze kin gardideh xamosh
ز جور مرد و زن ای رودم ای رود	به شام فلک جفا آمد به زینب
ze jor e mærd o zæn ey rôdæ m ey rôd	Be šam e fælæk jafa amæd be zinæb
به دشت نینوا ای رودم ای رود	بزن ذاکر دمی بر سینه و سر

be dašt e ninæva ey rôdæm ey rôd	Bezæn zâker dæmi bæ r sineh o sær
(همان، ۱۵۶)	

بررسی نوحه « شامیان »:

شاعر در این نوحه به غم و اندوهی که بعد از شهادت حضرت عباس بر دشت کربلا و قافله امام حسین حاکم است، از درد حضرت زینب و شهادت حضرت قاسم و علی اصغر سخن می‌گوید. در بیت دوم به سخن امام حسین که فرمودند: «الان انکسر ظهري» اشاره می‌کند که امام حسین با شنیدن خبر شهادت حضرت عباس گفتند: «که الان کمرم شکسته است.» (قربان‌پور، ۱۳۹۵، ۳۷) از بیت اول تا بیت پنجم، قافیه به شکل صحیحی آورده شده است اما در بیت‌های ۶، ۷ و ۸ اشکال قافیه وجود دارد. در بیت دوم این نوحه گل استعاره از حضرت عباس است. تشبیه در بیت چهارم وجود دارد که دستان حضرت عباس را مانند شاخه گل یاسمین تصور کرده است. شاعر حضرت علی اصغر را مانند چراغی دانسته که با تیر حرمه خاموش شده و به شهادت رسیده است. در اغلب بیت‌ها آرایه مراعات نظیر دیده می‌شود.

در مراسم نوحه خوانی میناب، قبل از شروع نوحه، فردی مرثیه‌ای را برای یکی از شهیدان کربلا می‌خواند که به این افراد ذاکر گفته می‌شود. شاعر به این مسئله در بیت آخر توجه کرده است. این شعر در وزن «مفاعیلن مفاعیلن فعولن» سروده شده است اما وزن هر مصراع کاملاً شبیه هم نیست و در بسیاری از موارد اشکال وزن وجود دارد؛ مثلاً مصراع دوم بیت دوم دارای اشکال وزنی می‌باشد.

۲-۳- آیین عاشورای حسینی در عمان

در دوران حکمرانی آل‌جلندی اسلام وارد عمان شد. در آن دوران حضرت محمد (ص)، عمرو بن العاص و ابازید الأنصاری را برای دعوت مردم به اسلام به عمان می‌فرستد. در آن دوران پادشاه عمان جیفر آل‌جلندی و برادرش عبدال‌جلندی بر عمان حکمران بودند. پادشاه عمان اسلام را پذیرفت و مردم عمان یک پارچه به دین اسلام گرویدند، و از آن به بعد عمان یکی از قلعه‌های بزرگ و از مدافعین اسلام در جنگ‌های رده بود. بعد از

وفات حضرت محمد (ص) بسیاری از اعراب شبه جزیره عربستان اسلام را رها نموده و به دین اجدادشان بازگشتند، عمانی‌ها برای خونسار کردن این حادثه در جنگ‌هایی که بنام جنگ رده معروف بود شرکت داشتند. همچنین رجال عمان در فتوحات اسلامی عراق، ایران، هند، سند، بلاد الشام، مصر، بلاد مغرب و اندلس نیز شرکت داشته‌اند. عمانی‌ها در طول تاریخشان به تجارت مشهور بوده و کشتی‌های باری متعددی داشته‌اند و تا نقاطی دور دست و حتی حدود چین و شرق آفریقا رسیده بودند. در آن دوران صحار یکی از بنادر مهم تجارتهای عمان بود و کشتی‌های تجارتهای از این بندر مهم به سواحل آفریقا، مدغشقر و شرق اقصی رسیده بودند. اما در نیمه قرن ششم هجری بنی‌نهبان منطقه داخلی پایتخت حکم خود قرار دادند و مناطق ساحلی را رها نمودند؛ بنابراین پرتغالی‌ها این مناطق را اشغال کردند. حکم بنی‌نهبان در منطقه داخلی در قرن نهم هجری پایان یافت. پس از آن مسلمانان ساکن عمان در مراسم و اعیاد مذهبی حضوری پررنگ‌تر داشته تا جایی که بر سوگ امام سوم شیعیان به عزا می‌نشستند. بیشترین شرکت‌کنندگان در این مراسم ایرانی‌های مقیم عمان بودند اما ملیت‌ها و اقوام مختلف با دلی سرشار از عشق به اهل بیت (ع) و خاندان عصمت و طهارت و در لبیک به قیام امام حسین (ع) در شهرهای مختلف کشور عمان، در حضوری گسترده و قابل توجه از نخستین روز محرم ضمن برافراشتن پرچم عزای حسینی در مساجد، حسینیه‌ها و تکایا ضمن برپایی مجالس سنتی روضه خوانی، مرثیه سرایی، تعزیه و تشبیه و راه اندازی دسته جات سینه زنی، نهضت پرشور کربلا و محرمی دیگر را زنده نگاه می‌دارند. همچنین مراسم سوگواری شب عاشورای حسینی با حضور سفیر جمهوری اسلامی ایران، دیپلمات‌ها و نمایندگان نهادهای ایرانی در عمان و انبوه ایرانیان عزادار و عاشق ابا عبدالله (ع) در سفارت جمهوری اسلامی ایران در مسقط برگزار می‌شود. در قانون اساسی عمان به اصل آزادی خیلی توجه شده‌است. بنابراین شیعیان می‌توانند به راحتی مراسم عاشورا را برگزار کنند.

۲-۴- نوحه در عمان

آنچه مسلم است نوحه‌های عربی به لحاظ لفظ، ساده و نسبتاً عاری از پیچیدگی‌های بیانی و صناعات ادبی دشوار هستند. برخورداری از پیام‌های اخلاقی، از قبیل تشویق به

دل کندن از دنیا، دوری از رفتار ناپسند، مخالفت با ظلم و ... وجه غالب این اشعار است. (عبدالرحیم، ۱۳۸۳، ۱۱)

مرثیه عرب ساده است. شاعر با شرحی از غم خود آن را آغاز می‌کند. از اشکی که نمی‌تواند از ریزش آن خودداری کند و بعد اشاره می‌کند چگونه آن موجود با ارزش از دست رفته است. از نظر اعراب شخص متوفی چون دو الگوی فضیلت وصف شده "شجاعت" و "آزادگی" و با نگرانی سوال می‌شود پس از وی، چه کسی دشمن را از پا درخواهد آورد. اگر قهرمان مرثیه به مرگ طبیعی نمرده باشد، آرزویی شدید برای گرفتن انتقام حس می‌شود. (نیکلسون، ۱۳۶۹، ۱۸۱)

به دلیل رایج بودن زبان عربی در مسقط، نوحه‌ها تنها به زبان عربی خوانده می‌شود و نحوه اجرا به صورت صف‌های منظم می‌باشد. نمونه‌هایی از نوحه‌های مسقط در زیر ارائه می‌شود:

سلام مولا

وَكُلِّ مَا لَدَى هُوَ عَيْنِي الْبَاكِيَّةُ		یا مولای! بحرِ حُزْنِکِ فی قلبی
væ kol e ma lædi hova yini albakiyeh		Ya molay! Bæhr e hoznek fi gelbi
و همه چشمانم گریه می‌کند		خدای من! دریای غم و اندوه در قلبم
إِنْ كُنْتَ تُرَانِي لَا أْتَمَالِكِ نَفْسِي		أَيْنَمَا أَذْهَبَ، أَسْمَعُ الْكَلَامَ عَنِ الْحَرَمِ
en kont torani la atmælek næfsi		Aynæma æzhæb, æsmy ælkalam yn alhæram
اگر مرا ببیند، من خودم نیستم		هر کجا که بروم، حرفهایی راجع به پناهگاه می‌شنوم؛
حَتَّى تَرَكْتُ النَّوْمَ فِي هَوَاكِ... مَوْلَايَ		فَهَذَا دَلِيلٌ عَلَى شَوْقِي لِحَرَمِ مَوْلَايَ
hæta tærkt ælnom fi hævak ... molayi		Fæhaza dænil yli šoqi lehæræm molay
تا اینکه در هوی و هوس خود خوابیدید ... ای مولای من		این گواه اشتیاق به پناهگاه مولی است؛
		حُسَيْنِ آه ... حُسَيْنِ آه

		Hôsin äh...hôsin äh
وَأَبْكِي عِنْدِمَا أَسْمَعُ أَسْمَاكَ		لَا يَخْرِجُ حُزْنَكَ مِنْ قَلْبِي
væ abki yndemä asmæy æsmæk		La yækhrej hoznæk men gelbi
و وقتی نام تو را می شنوم گریه می‌کنم.		غم تو از دل من بیرون نمی‌آید
مَنْ بَاعَكَ قَلْبَهُ		الْعُلَامَ يَمُوتُ بَدُونِ مُوَلَاهُ
mæn bayæk qebleh		Alqoläm yamot bedon moläh
که قلبش را می‌فروشد.		پسر بدون استادش می‌میرد.
الْمَاتِمُ يَجْعَلُ الْمَرْءَ إِنْسَانًا... مَوْلَايَ		نَظَرُ إِلَيْهِ اللَّهُ نَظْرَهُ
ælmatom yajæl almær ensana molay		Næzær elayhe allæh nazar
به مراسم تشییع جنازه انسان را به یک انسان تبدیل می‌کند... پروردگار من.		با نگاه به خدا، نگاه
		حُسَيْنَ آه...حُسَيْنَ آه
		Hôsin äh...hôsin äh
حَتَّىٰ انْتَهَرَا عِقْدَ الْكَلِمِ		مَوْلَايَ سَرَى شَوْقٌ بَدَمِي
hætta entæsæra eqdo alkæleme		Moläy særi shoq bedæmi
تا وقتی که این کلمه را پخش کردند.		آقای من، آرزوی خون من است
عَلَى مَرَاكِبِ دَمْعَاتِي		يَا لَيْتَ أَرَى نُورَ الْحَرَمِ
ali mærake dæmyæti		Ya liyta æri noræ alhæræm
روی قایق‌های اشک‌های خود ببینم.		کاش می‌توانستم نور الحرام را
أَتَيْتُ أُبْتُ حَسْرَاتِي... وَ شَوْقِي		حَمَلْتُ مَعِيَ أَهَاتِي
atæyto aboso hæsrati... va šoqi		Hæmæltô mæyi ahati
برای توضیح غم و اندوه خودم ... و آرزو کردم.		پدر و مادرم را با خودم حمل کردم،
		حُسَيْنَ آه...حُسَيْنَ آه

		Hôsin äh...hôsin äh
نَحِيَاكُ كَمَالَاتِ كُبْرَى		مَولايَ و مَا أَسْمَى الذِّكْرَى
nəhayakæ kæmælat kora		Molay væ ma æsmæe alzekri
ما هدایای خوبی به شما می دهیم.		آقای من، و آنچه به عنوان یادآوری خوانده می شود،
تَخِذْنَاكُمُ لَنَا قَادَةَ		عِزًّا: إِيْمَانًا أَوْ نَصْرًا
takheznakomo lena qadah		Yeza: imana aô næsra
که رهبران ما، ما را به آن سوق می دهند.		افتخار، ایمان یا پیروزی
فَصِرْنَا فِي الْعَالَمِ سَادَةً .. بِالْحَقِّ		كُمُ الْحَيَاةُ وَقَادَةُ
fæserna fi alalame sæda.. belhaq		Bekôm alhayaô væqada
در جهان پدید آمده‌اند.		چقدر زندگی و رهبران حُسَيْنِ آه ...حُسَيْنِ آه
		Hôsin äh...hôsin äh
جَاوُوكَ عَلَى رَغْمِ الرَّغْبِ		زَوَارِكَ يَا لُغَةَ الْقَلْبِ
javvka yalai raým alroyb		Zovvärok ya loyah alqælb
به رغم وحشت، به سراغ شما آمدند.		بازدیدکنندگان شما، زبان قلب،
قَدِ اجْتَاَزُوا بِكُمُ الْغُنْفَا		يَتَلُونِ لِيَايَاتِ الْحُبِّ
qæd äjtazo bakôm alônfa		Yatlon leäyate alhoba
از خشونت عبور کرده‌اند		آنها علائم عشق را تلاوت می کنند، و كَرَبَلَا لَهُمْ مَرْفَا
و بِهَا الْأَلَامُ تُسْتَشْفَى .. بِالْعِشْقِ		Va karbæla læhom mærfa
væ beha alalamo tostæšfi belešq		و کربلا شب خوبی دارد
و درد بر معشوقش بستری خواهد شد.		حُسَيْنِ آه ...حُسَيْنِ آه
		Hôsin äh...hôsin äh
(م.المحمودی، مصاحبه شخصی، ۲۳ جمادی الثانیه، ۱۴۴۱)		

بررسی نوحه «سلام بر مولا»:

در این نوحه، شاعر به درد و غمی که از شهادت امام حسین دارد اشاره می‌کند که از شدت غم همیشه چشمانش پر از اشک است. با این حال، حادثه کربلا را برای معشوق (امام حسین) یک شب خوب می‌داند که در آن شب معشوق به وصال حق می‌رسد.

شاعران شیعه در نحوه خطاب و شیوه عتاب، تنوع به کار برده‌اند. گاهی شاعر، خود را مخاطب قرار می‌دهد گاهی پیامبر خدا (ص)، گاه حضرت علی، گاه حضرت فاطمه و گاه امام حسین. (آیینه‌وند، ۱۳۸۷، ۲۳) در این نوحه نیز امام حسین مورد خطاب قرار گرفته‌اند.

از همان آغاز نوحه، آرایه‌های ادبی به چشم می‌خورد برای مثال «بحر حزن» اضافه تشبیهی است که غم و ناراحتی را به دریا مانند کرده‌است. در اغلب ابیات آرایه واج‌آرایی وجود دارد. در بیت چهارم بین کلمات «اسمع و اسمک» آرایه جناس برقرار است. این نوحه در وزن «مفعول مفاعلهن فعلون فعلن» سروده شده است.

والله لو قطعتموا یمینی (قسم می‌خورم اگر دست راستم را قطع کنید)

انی احامی ابدأ عن دینی		والله لو قطعتموا یمینی
eni ahami abæda yn din		væläh æn qætætmo yæmini
تا ابد از آیم دفاع خواهم کرد		به خدا سوگند، اگر حتی دست راستم را قطع کنید
دوحه التاریخ تبقی مورده		کلمة العباس ظلت خالده
dôheh altärikh tæbqi môrdeh		kælæmät ælabbäs zælat xælede
زیرا تاریخ همچنان منبع آن است.		کلمه العباس جاودانه بوده است،
و قبل سیفه رجفت قلب العده		الشجاعة و المبادئ شاهده
væ qæbl seyfe ræjfat ghælb ælôdeh		ælshojäe v ælmobädi shæhede
و پیش از شمشیر او قلب شمارش را لرزاند		شجاعت و اصول او را تماشا می‌کردند
انی احامی ابدأ عن دینی		قول زهی کناصع اللجینی
eni ahami æbæda æn din		qôl zæhi kinäse alljini
تا ابد از آیم دفاع خواهم کرد.		زهی به عنوان یک مبتکر گفت:

انی احامی ابدأ عن دینی		والله ان قطعتموا یمینی
eni ahami abæda yn din		væläh æn qætætmo yæmini
تا ابد از آیم دفاع خواهم کرد		به خدا سوگند، اگر حتی دست راستم را قطع کنید
و مثل حیدر مبدأ قالوا فعل		والده حیدر اسد و هو الشبل،
va mesl heidar mabda qalo fel		valedeh heidar asad va hova alshebl
و مانند یک اصل گفتند که او انجام داد.		پدرش حیدر یک شیر است،
والصعب من هیئہ یصبح سهل		بیمتته یربط و بیساره یحل
valsaab men heyba yasbeh sahl		beimnte yerbet va be yesareh yahel
و دشواری اعتبار نیز آسان می شود.		داده های وی پیوست شده است
انی احامی ابدأ عن دینی		قال بصوت صادق مبینی
eni ahami æbæda æn dini		äl besoti sädeq mobini
تا ابد از آیم دفاع خواهم کرد.		او با صدای صمیمانه گفت:
انی احامی ابدأ عن دینی		والله ان قطعتموا یمینی
eni ahami abæda yn dini		væläh æn qætætmo yæmini
تا ابد از آیم دفاع خواهم کرد.		به خدا سوگند، اگر حتی دست راستم را قطع کنید
عالترب ظلت رمیات الجفوف		قال لو تقطع یمینی هالسیوف
altrôb zællæt ræmiyat æljfof		qäl lo tæqty yemini hälsiuof
خاک همچنان باقی مانده است.		اگر دست راست من قطع شد، او گفت،
ما ابیع الدین لحظه ما اعوف		تبقی روحی صاحت الحومه تطوف
mä æbiy ældin lahze mä æôf		tæbqi rohi sähæt ælhomeh tætvf
آنچه را که برای یک لحظه بدهی می فروشم، نیستم.		روح من همچنان در اطراف دولت فریاد می زند، شناور می شود
معینی انی احامی ابدأ عن دینی		ان یضماء دین استقی

moini eni æhæmi æbæda æn dini		æn yæzma dinô æstæqi
دو بار یک وکیل که هرگز بدهکار نیست		این شامل بدهی است که ممنوع است،
انى احامى ابدأ عن دینى		والله ان قطعتموا یمینی
eni æhami abæda yn dini		væläh æn qætætmo yæmini
تا ابد از آیین دفاع خواهیم کرد		به خدا سوگند، اگر حتی دست راستم را قطع کنید
خدمة الحبر المصایب بالبلاء		هذه كل مصدقتها كربلا
khadamh albahr almasayeb belbala		haza kol mesdaqtaha karbala
سرویس جوهر است که به آن مبتلا شده‌است.		این همه گواهی شده توسط کربلا،
صاحت املاک السماء میت هلا		عالر محراص القمر حین اعتلاء
sähæt æmläk ælsamä mit hæla		ælr mharas ælqæmær hin äytälä
و آسمان مرده هلا را فریاد زد		دیسک ماه در حال طلوع بود
انى احامى ابدأ عن دینى		یا ائبنا اضاءت الجبینى
eni æhami abæda yn dini		yä obonä æzat æljobini
تا ابد از آیین دفاع خواهیم کرد		ای پسر ما، پیشانی من،
انى احامى ابدأ عن دینى		والله ان قطعتموا یمینی
eni æhami abæda yn dini		væläh æn qætætmo yæmini
تا ابد از آیین دفاع خواهیم کرد.		به خدا سوگند، اگر حتی دست راستم را قطع کنید.
(همان)		

- بررسی نوحه « والله لو قطعتموا یمینی»:

در این نوحه به ستایش حضرت عباس و شجاعت ایشان اشاره می‌شود. حضرت عباس با سپاه دشمن پیکار می‌کردتا اینکه یکی از لشکریان با شمشیر دست راست وی را قطع کرد. عباس قهرمان فریادبرآورد: والله لو قطعتموا یمینی، انی احامی ابدأ عن دینی. (قربان‌پور، ۱۳۹۵، ۳۶)

از فضای غم‌آلود عاشورا کاسته شده و در عوض عبارات حماسی و کوبنده ای اعلام می‌گردد که حس انتقام و انتقال پیام عاشورا را در مخاطب زنده می‌کند. در این نوحه هم آرایه های ادبی کم و بیش دیده می‌شود. وقتی آسمان هلا یا آگاه باش را فریاد می‌زند، شاعر شعرش را با آرایه تشخیص آراسته است.

امام حسین

عَرُوسًا قُيُودَهَا أَسْوَارًا	قَيَدُوهَا فِي أَوَّلِ اللَّيْلِ فَصَارَتْ
ærosæn ghoyodohä æsvärä	ghæyædohä fi ævvæl ællil fæsäræt
او مانند عروسی شد که الگوها، او را در قید و بند کردند.	در آغاز شب، آن را در بند کردند.
أَلْفٌ سَيْفٍ يُصَارِعُ الْأَقْدَارًا	ذَبْحُوهَا فَسَالَ مِنْ كُلِّ جَرْحٍ
ælf ô seif yôsare ælaghdara	zæbæhohä fæsælæ mæn kôl jôrh
هزاران شمشیر جاری شد که با قدرها می‌جنگید.	او را ذبح کردند و از هر زخم وی،
أَنَّ فِي دَمِهَا الْمُبَاحِ دَمَارًا	لَيْتَهُمْ أَذْرَكُوا وَ قَدْ قَتَلُوهَا
æn fi dæmaha ælmôbah dæmârä	læytæhom ædrækô væ qædqætæloha
که در خون مباح شده او، هلاکت و نابودی است	کاش کسانی که او را می‌کشتند، می‌فهمیدند
بِهَا الْقِطْعُ تَغْذُو	وَ بَانَ الْعُصُونُ مَهْمَا اسْتَبَدَّ

behæ ælqato tæýzo		væ baennæ ælýoson mæhmæ æstæbæd
شاخه‌های بریده شده با آنها تغذیه گشته		و اینکه هرگاه شاخه‌ها مستقل شوند؛
	إِنَّهَا أُمَّةٌ تَمُوتُ لِتَحْيَا	و جُدُورُهَا أَشْجَارًا
ennæha ammæto tæmoto letæhæya		væ jozoroha ašjara
آنها امتی هستند که می‌میرند تا زنده بمانند		و ریشه‌هایشان، درختانی می‌گردند
	لَمْ تَمُتْ أُمَّةٌ وَ يَخْبُو لظَاهَا	و تَرَى الْجُرْحَ لَدَّةً وَائْتَصَارًا
læm tæmot amæto væ uoxbo læzæhæ		væ tæræ æljorh lazatæn væ æntesarä
امتی نمی‌میرد و شعلهاش خاموش نمی‌شود.		و جراحت و زخم را لذت و پیروزی می‌بینند.
		عِنْدَمَا تَحْمِلُ الْحُسَيْنُ شِعَارًا...
		که حمل‌کننده نشان امام حسین (ع) است...
	(جابری، ۱۴۱۸، ۳۲)	

- بررسی نوحه « امام حسین »:

این نوحه هم از فضای حزن‌انگیز عاشورا تا حدودی دور شده است و شاعر بیشتر درصدد انتقال مفاهیم و اتفاقات عاشورا است. شاعر، امام حسین را به عروسی تشبیه می‌کند که الگوها و زیورهایش گویی او را در بند کشیده‌اند. پارادوکس زیبایی در بیت سوم وجود دارد که در عینی که خون امام حسین را برای دشمنان مباح است اما همین خون باعث نابودی و هلاکت این قوم می‌گردد و در آخرین بیت مردم جامعه را به قیام علیه باطل فرامی‌خواند و می‌گوید که هر ملتی در راه خدا و آزادی قدم بردارند زنده می‌مانند و همه این موارد زیر پرچم برکت امام حسین حاصل می‌شود.

۲-۵- مقایسه نوحه در میناب و مسقط:

«کشور ما چون از قدمت تاریخی و فرهنگی چند هزار ساله برخوردار است، لذا به همان نسبت می‌بایست از موسیقی غنی در گذشته برخوردار باشد که متأسفانه به علت هجوم های پی پی اقوام بیابانگرد، پیشینه‌های فرهنگی هنری ما نابود شده ولی هر بار از نو به تدریج نضج گرفته و به شکل‌های گوناگون یا نیمه مخفی به حیات خود ادامه داده تا به امروز که بدین صورت موجود است.» (فرهت، ۱۳۹۱: ۷)

نوحه های مذهبی شهرستان میناب، برگرفته از زندگی مردم و با توجه به آب و هوای و اقلیم منطقه، صدای موج و وزش باد است. نوحه‌های بحر طویل ضربی و تند است و بعضی نوحه ها هم آرام خوانده می‌شود. اغلب مداحان از سبک لحن صابوناتی در عزاهای خود بهره می‌برند. گونه دیگر عزا خوانی‌ها در میناب، نوای قطاری است. نوای قطاری به این مضمون است که هماهنگی ویژه میان نوحه‌خوان و حرکت سینه‌زنان وجود دارد. در این گونه نوحه‌خوانی سینه‌زنان به شکل قطار به دنبال هم حرکت می‌کنند و به مداح پاسخ می‌دهند. همچنین در میناب گونه‌هایی از نوحه خوانی مانند «نوحه فی المرثیه» رایج است. در این نوحه، بخش‌هایی از نوحه ضرب‌آهنگ ویژه‌ای دارد که با آن افراد به سینه‌زنی مشغول می‌شوند و در بخش دیگر تنها نوحه‌خوانی اجرا می‌شود. استفاده از اشعار و آهنگ‌هایی با ریتم تند و ضربی در اجرای نوحه هاست که نوحه را هیجانی می‌نماید در حالی که در نوحه سنتی ایرانی ریتم نوحه مازور است و از اشعار و آهنگ‌هایی با ریتم کند و آرام استفاده می‌شود که نوحه را دلنشین تر و حزن‌تر می‌نماید. در کشور ما نیز، از دیرباز مردم در شهرها و اقوام مختلف، به نحوی عشق و احساسات خود را نسبت به امام حسین (ع) و واقعه کربلا به طرق مختلفی نشان می‌دادند. مرثیه‌نمایی و شبیه‌خوانی یا تعزیه، شاید عمومی‌ترین آنها باشد. گونه‌ی دیگر نوحه خوانی، به صورت واحد است. بدین صورت که تنها نوحه‌خوان متن نوحه را با لحنی سنگین و رجز مانند می‌خواند و سایرین سینه زنی می‌کنند.

در کشور عمان هم این مراسم اجرا می‌شود اما به قوت و خوبی مراسم‌های میناب نیست؛ زیرا این مراسم‌ها مردم نهاد نیست و اغلب از طرف سفارت ایران در کشور عمان برگزار می‌شود.

وزن عروضی نوحه‌های میناب و مسقط در بحرهای متفاوتی است. بحر رمل (فاعلاتن) یک بحر ملایم محسوب می‌شود که برای ایجاد حس غم گاهی به کار می‌رود و بهتر از سایر اوزان عروضی می‌تواند حس و حال مصیبت زدگان را بیان کند. در مسقط بیشتر از بحرهای طویل استفاده می‌شود. آرایه‌های ادبی در نوحه‌های مسقط کمتر از نوحه‌های میناب است. محتوای نوحه‌های میناب و مسقط شبیه به یک دیگر است و در آن به همه ابعاد و مسائل موجود در واقعه اشاره کرده‌اند.

۳- نتیجه گیری

در میناب با برنامه ریزی قبلی، کلاس‌های متعددی جهت اجرای تخصصی نوحه برگزار می‌شود؛ در صورتی که طی مشاهدات و مصاحبه‌های نگارنده این اثر، چنین فعالیت‌هایی در مسقط کم‌رنگ‌تر و تقریباً وجود ندارد. با توجه به اینکه تنها ۳ درصد از کل جمعیت کشور عمان شیعه نشین می‌باشند و تعداد زیادی نیز در مسقط ساکن هستند، لذا توجه به این امر تا حدودی کم رنگ گردیده است.

تاثیرپذیری از فرهنگ عاشورا در شعر و نوحه را می‌توان در چند محور ارزیابی نمود: نخست موضوع مدح، ستایش و تمجید که بی شک از مقوله‌های بسیار مفصل و در خور اعتناست. البته این گونه کلام به نظر می‌آید، در ستودن و یاد کردن از واقعه عاشورا منحصر نمی‌شود، بلکه مشاهده می‌شود که اکثریت قریب به اتفاق مردم و متولیان مراسم روز عاشورا و به تبعیت از موضوع این تحقیق، در این زمینه کوشیده‌اند حال و هوای اوضاعی را که از آن متأثرند، نیز در بیان خود بگنجانند، که گاه با ذکر الفاظ مربوط به صحنه کربلا و نام و یاد قهرمانان آن واقعه بی‌نظیر و حماسه دینی سترگ همراه است و در پاره‌هایی از موارد نیز به اشاراتی تمثیل گونه بسنده شده که در نوحه و روضه‌های خاص این روز عنوان شده‌اند. دوم ترغیب و تشویق افراد به واسطه نوحه عاشورایی جهت حضور در صفوف عزاداری با هدف الگو پذیری، تقلید و پیروی از حرکت ایثارگرانه

سالار شهیدان در تطبیق وضع موجود با هدف الهی و مخلصانه آن حضرت. آنچنان که در فصول مختلف این تحقیق، گونه‌های همانندی در ستیز حق و باطل و رویارویی اسلام و اسلام نمایان در حرکت امام حسین(ع) و حرکت‌ها و فعالیت‌های نظامی پس از انقلاب اسلامی در ایران بسیار فراوان است. شاعران متعهد و فرزانه از این بابت، کلام خود را به عرش برین رسانده، هم‌پایه ارجمندترین سخنان اولیای حق و جاویدان صحنه کلام قرار داده‌اند. سوم بیان وقایع کربلا و روز عاشورا با همانندی‌های فرهنگی و انطباق مفهومی. مقصود از بیان همانندی‌ها و تشابهات، آن چیزی است که به عنوان صحنه نبرد جاودانه کربلا مطرح است، با نمونه موجود و زنده آن که پیش روی هر بیننده قرار دارد. مذهب سهم بزرگی در فرهنگ ایران دارد. فرهنگی عمیق که در جان و دل رخنه نموده و با ائمه اطهار خو گرفته است.

مقایسه از ازل تا ابد اشتباه می باشد. لذا می بایست به شرایط اجتماعی و حاکم بر دو جامعه ی ایران و عمان و در راس این تحقیق میناب و مسقط که در جنوبی ترین منطقه از دو کشور قرار دارند، نیز توجه ویژه نمود. با توجه به شرایط حاکم و حضور دو مذهب شیعه و سنی در دو کشور ایران و عمان، نباید انتظار داشت که کیفیت مراسم روز عاشورا به اندازه کیفیت اجرای آن در ایران باشد. به همین دلیل در میان دو کشور، مرثیه و نوحه مهم ترین بخش ادبیات مذهبی به شمار می رود.

میناب در هرمزگان از جمله مناطقی است که از هنر اسلامی در دهه محرم با آئین و مناسک عاشورایی برخوردار است. عشق مردم میناب به اهل بیت (ع) و به ویژه پیشوای سوم شیعیان به گونه‌ای است که همه ساله با فرا رسیدن ماه محرم و روز عاشورا، آیین‌های عزاداری در سراسر این شهر برگزار می‌شود. برخی از این آیین‌ها از دیرباز همواره در میان مردم این منطقه مرسوم بوده و برخی دیگر نیز در سال‌های اخیر و با ابتکار جوانان و محبان اهل بیت راه‌اندازی شده است.

از سوی دیگر اشعار روز عاشورایی نباید دارای پیچیدگی و مدگرانی باشد. مضمون آن می بایست ساده و تاکید بر رساندن مطلب به همراه صداقت و صراحت باشد. این سادگی به دلیل پیچیده بودن فلسفه عاشورا است که شاعر موظف است آن را با سادگی هر

چه بیشتر به گوش مخاطب برساند. این ویژگی در نوحه میناب و مسقط به خوبی دیده می‌شود و اگر در نوحه‌ای آرایه‌های ادبی وجود داشته باشد به اندازه است و راه افراط را پیش نگرفته‌اند. همان‌طور که مشخص است، وجود آرایه‌های بسیار در شعر موجب پیچیدگی و دیر فهمی شعر می‌شود.

همان‌طور که از نمونه مثال‌های ذکر شده پیداست، نوحه در میناب هم به زبان عربی هم به زبان فارسی رایج است اما در مسقط نوحه تنها به زبان عربی رایج بوده و مورد استفاده قرار می‌گیرد. شاعران و مرثیه‌سرایان در هر دو منطقه، میناب و مسقط، به آرایه‌های ادبی توجه داشته‌اند و به خوبی در شعر خود به کاربرده‌اند؛ اما در نوحه‌های میناب آرایه‌های ادبی بیشتری دیده می‌شود. کثرت وجود آرایه‌ها در نوحه میناب دلیل سادگی آرایه‌ها باعث پیچیدگی شعر نمی‌شود.

در هر دو منطقه، اشعار دارای وزن‌های متفاوتی هستند اما گاهی ضعف در وزن مشاهده می‌شود که به‌طور کلی می‌توان از آن چشم‌پوشید. مرثیه‌سرایان در رساندن پیام عاشورا، ماهرانه عمل کرده و سعی در سادگی و در حین حال زیبایی شعر دارند.

کتاب‌نامه

- ۱- آینه‌وند، صادق (۱۳۸۷)، ادبیات سیاسی تشیع، تهران: انتشارات نشر علم
- ۲- جابری، جابر (۱۴۱۸)، السید حیدر الحلّی شاعراً، بیروت: دارالتّقلین.
- ۳- جعفری، محمدتقی، (۱۳۹۷)؛ موسیقی از دیدگاه فلسفی و روانی، چاپ دهم، مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری..
- ۴- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۸۷)؛ لغت‌نامه فرهنگ‌واژگان مترادف و متضاد، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- ۵- سعیدی، سهراب، (۱۳۸۹)؛ رخس بی‌سوار (ادبیات عاشورایی مردم هرمزگان)، قم، چاپ نینوا: نشر دارالتفسیر. انتشارات آرام
- ۶- سعدیان، عبدالحسین، (۱۳۸۲)، دایره‌المعارف عمومی الفبایی، تهران:
- ۷- سیدابن طاووس، (۱۳۸۸) لهوف، ترجمه احمد بانپور، مشهد: انتشارات استوار
- ۸- شفیعی کدکنی، محمد رضا، (۱۳۷۳)، موسیقی شعر، چاپ چهارم، تهران: انتشارات آگاه

۹- عبدالرحیم، محمد (۱۳۸۳)، دیوان امام حسین، ترجمه امیر جابری، تهران: انتشارات خورشید آفرین

۱۰- فرشید ورد، خسرو (۱۳۷۸)، درباره ادبیات و نقد ادبی، ج ۱، چاپ سوم، تهران: انتشارات امیرکبیر

۱۱- فرهت، هرمز (۱۳۹۱) دستگاه موسیقی در ایران، ترجمه محمد مهدی پور، تهران: انتشارات پارت

۱۲- قربانپور، جواد (۱۳۹۵)، مجموعه اشعار محرم، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی

۱۳- محدثی، جواد، (۱۳۷۴)؛ فرهنگ عاشورا، جلد هفدهم، قم: نشر معروف.

۱۴- نیکلسون، رینولدالین (۱۳۶۹) تاریخ ادبیات عرب، ترجمه کیواندخت کیوانی و

ضیاءالدین سجادی، تهران، انتشارات رایزن

مصاحبه شخصی

- محمد المحمودی، محقق و پژوهشگر علوم دینی، شاعر عرب، مسقط،

مصاحبه شخصی، ۲۳ جمادی الثانیه، ۱۴۴۱

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی